

روستا و توسعه، سال ۲۴، شماره ۹۵، پاییز ۱۴۰۰

DOI: [10.30490/RVT.2020.341206.1183](https://doi.org/10.30490/RVT.2020.341206.1183)

مقاله پژوهشی

بررسی ظرفیت‌های شوراهای روستایی برای بهبود مشارکت جوامع روستایی در انتخابات شهرستان خرم‌آباد

فاطمه سپهوند^۱، سعید غلامرضایی^۲، زینب فراشی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۲

چکیده

یکی از نهادهای مدنی فعال در روستاها، شوراهای روستایی است که می‌توان از ظرفیت و توان آن‌ها در عرصه نهادینه‌سازی مشارکت سیاسی جامعه هدف بهره گرفت. از این‌رو، در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از نظریه مفهوم‌سازی بنیادی (GT) و بر اساس مدل اشترواس و کورین، ظرفیت شوراهای روستایی برای بهبود و اصلاح مشارکت جوامع روستایی در انتخابات بخش روستایی شهرستان خرم‌آباد، شناسایی و چگونگی بهره‌مندی از آن مورد بررسی قرار گرفت. جامعه هدف تحقیق اعضای

۱- دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۲- نویسنده مسئول و دانشیار گروه توسعه روستایی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. (gholamrezai.s@lu.ac.ir)

۳- دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.

شوراهای روستایی شهرستان خرم‌آباد و کارشناسان مرتبط با امور شوراهای روستایی در فرمانداری و بخشداری مرکزی این شهرستان بودند که از آن میان، با نمونه‌گیری هدفمند به شیوه گلوله‌برفی، هجده نفر انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات، مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند صورت گرفت که اعتبار و درستی داده‌ها به روش بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان مورد تایید قرار گرفت؛ و همچنین، برای افزایش اطمینان‌پذیری پژوهش اقدام به مسیرنمایی حسابرسی گردید. نتایج نشان داد که "انجام اقدامات لازم برای تقویت جایگاه شوراها در عرصه سیاسی در سطوح قانون‌گذاری و اجرایی و نیز بازنگری در شرح وظایف شوراها" می‌تواند زمینه‌ساز تحول بزرگی در راستای افزایش مشارکت جوامع روستایی در انتخابات باشد؛ همچنین، "تقویت روحیه مشارکت و کار گروهی در مناطق روستایی"، "مشارکت دادن شوراها در تصمیمات منطقه‌ای" و "رعایت بی‌طرفی اعضای شوراها نسبت به نامزدهای انتخاباتی" می‌تواند در این راستا، مؤثر و سودمند باشد و در نهایت به "افزایش مشارکت روستاییان در تعیین سرنوشت خود" منجر گردد.

کلیدواژه‌ها: شوراهای روستایی، انتخابات، نظریه داده‌بنیاد، خرم‌آباد (شهرستان).

مقدمه

رویکردهای گذشته دولت‌های متمرکز به‌عنوان ارائه‌دهندگان، صاحبان و مدیران توسعه روستایی به رشد و تداوم یک سندرم وابستگی در جوامع روستایی دامن زده است که مانع توسعه جامعه روستایی به‌عنوان منابع انسانی باارزش شده و به ادامه دخالت دولت مرکزی در بخش روستایی انجامیده است؛ بنابراین، باید از رویکردها و راهبردهایی متفاوت با آنچه در گذشته به کار گرفته شد، سود جست و همچنین، باید دولت به‌عنوان تسهیل‌کننده ایفای نقش کند. این راهبردها می‌تواند شامل تحقق تشکلات مردمی و حرکت به سمت حکومت‌های محلی در سطح روستاها باشد (Johnston, 2005).

فلسفه اساسی شکل‌گیری تشکلهای مردمی نهادینه‌سازی و تحقق مشارکت مردمی در مدیریت امور مربوط به خود است که به تقویت فرآیند توسعه پایدار روستایی و همچنین،

در سطح متعارف جامعه، به ایجاد محیطی مناسب برای زندگی راحت‌تر و کارآمدتر روستاییان متناسب با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه می‌انجامد (Olowu and Wunsch, 2004). هم‌اکنون، در بسیاری از کشورهای جهان، مدیریت فعلی روستاها به صورت نظام تعاملی است. افزون بر این، یکی از الزامات توسعه روستاها تصمیم‌گیری بر اساس نیازهای محلی و تسهیم قدرت و انتقال اطلاعات «از پایین به بالا» است (Go and Trunfio, 2011)، رویکردی که از رهگذر آن، زمینه شکوفایی طیفی گسترده از ایده‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها و نیز ظرفیت‌سازی برای نهادهای محلی دولتی فراهم می‌شود (Ahmadi and Cheraghi, 2017).

در این میان، با توجه به پراکندگی روستاها، کم‌سوادی نسبی روستاییان، سابقه وجود نظام شبه‌فئودالی و وجود خرده‌فرهنگ‌ها، مناطق روستایی از لحاظ توسعه سیاسی و تشکلات مردم‌نهاد برای مشارکت و دخیل‌شدن در امور مربوط به سرنوشت خویش، نسبت به جامعه شهری، از موقعیت مناسب برخوردار نیستند (Gholamrezai et al., 2016). از این رو، با تقویت تشکلات مردمی و توسعه حکومت‌های محلی، زمینه برخورداری از قدرت تصمیم‌گیری درباره منابع و امکان توسعه این مناطق نیز فراهم خواهد شد. یکی از تشکلات مردمی در سطح محلی در راستای مدیریت و خود پایداری نواحی روستایی شوراهای روستایی است (Hashemi et al., 2011; Piran, 2008). اگرچه در ایران، از فرآیند مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری با وقوع انقلاب مشروطه بیش از یک سده می‌گذرد و باوجود پیشینه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در فرآیند مدیریت تا پیش از تأسیس قانون شوراها، سازوکار اداره امور روستاها شکلی ساده، متمرکز و غیردمکراتیک داشته که با تشکیل شوراهای روستایی، تحولات مهم در عرصه سیاسی- اجتماعی رخ داده است (Alaei Bosjen et al., 2015). شوراهای روستایی نهادهایی دمکراتیک هستند که می‌توانند باعث افزایش آگاهی عمومی، شفافیت در اداره امور، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری مدیران شوند (Karimi and Imani Jajarmi, 2009) و نیز می‌توانند در ترغیب مشارکت افراد محلی بسیار مؤثر عمل کنند و باعث گسترش دموکراسی و توزیع قدرت در سطح محلی شوند (Mousavi, 2015).

بدون شک، تحقق توسعه سیاسی، مهارت و هنر مدیریت سیاسی و برنامه‌ریزی آگاهانه را می‌طلبد (Qavam, 2014) که در آن، نظام‌های اقتدارگرای سیاسی جای خود را به نظام‌های حق رأی همگانی و بروکراسی‌های مدنی می‌دهند (Bashirieh, 2003)؛ و این به مفهوم افزایش ظرفیت و توانایی نظام سیاسی در مواجهه با مشکلات و چالش‌های پیش‌روست (Shafieifar, 2015) و اهداف و آرمان‌هایی مانند دموکراسی، آزادی و حقوق بشر را مورد توجه قرار می‌دهد (Vafaei, 2014). از مؤلفه‌های بارز توسعه سیاسی می‌توان حق رأی و انتخابات آزاد و مشارکت در انتخابات (Badie, 1996)، سیاسی کردن مردم (Aminzadeh, 1997)، گسترش احزاب و گروه‌های سیاسی و تشکیل سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی و همچنین، اجرای انتخابات شوراهای روستا (Shafieifar, 2015) را برشمرد. افزون بر این، مشارکت سیاسی از شاخصه‌های اصلی توسعه سیاسی است (Zibakalam and Moqtadaei, 2014)؛ و در آن، قدرت سیاسی میان افراد و گروه‌های جامعه توزیع می‌شود (Qasemi et al., 2017). علاوه بر نکات یادشده، شوراها به‌عنوان نهادی مدنی و غیردولتی، از طریق تمرین دموکراسی و نهادینه شدن فرهنگ مشارکت مردمی، می‌توانند در توسعه سیاسی مؤثر باشند. یکی از نهادهای مدنی کشور شوراهای روستایی است که در صورت نقش‌آفرینی درست و کارا، می‌تواند از طریق آگاه‌سازی، ظرفیت‌سازی، تمرین دموکراسی، افزایش خودتکایی، تقویت اعتمادبه‌نفس و انجام کار گروهی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و در پی آن، توسعه سیاسی جامعه روستایی اثرگذار باشد. حال، با توجه به اهمیت شوراهای روستایی، مسئله اساسی این است که «چگونه می‌توان از ظرفیت این نهاد در افزایش مشارکت مردم جوامع روستایی در انتخابات بهره برد؟». به‌منظور تحلیل بهتر موضوع، مقوله شوراهای روستایی و کارکردها و وظایف این نهاد در پی تبیین می‌شود.

مبانی نظری

تاریخچه تشکیل شوراهای روستایی

شوراهای اسلامی روستا از نهادهای محلی است که پس از تصویب طرح تشکیلات شوراهای اسلامی کشور، در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۱ در استان‌های کشور برپا شده است. بنا به ضرورت تشکیل شوراهای به‌ویژه در روستاها برای بهسازی و بهبود وضعیت روستاییان، با اصرار جهاد سازندگی در سال ۱۳۶۱، ضمن تصویب طرح «قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری»، جهاد سازندگی مسئول تشکیل شوراهای روستایی با همکاری وزارت کشور شد. با تصویب «قانون انتخابات شوراهای اسلامی» در سال ۱۳۶۵، برگزاری انتخابات شوراهای در شهر و روستا به وزارت کشور محول و وظایف جهاد سازندگی حذف شد؛ ولی به علل مختلف از جمله جنگ تحمیلی، اجرای این قانون امکان‌پذیر نشد. در سال ۱۳۷۵، با تصویب «لایحه قانونی تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای و شهرداری‌ها» در مجلس و اجرای انتخابات شوراهای در سطح شهرها، شهرک‌ها، روستاها و بخش‌ها در هشتم اسفند سال ۱۳۷۷، شوراهای اسلامی روستا در اردیبهشت سال ۱۳۷۸ به‌طور رسمی کار خود را شروع کردند.

کارکردهای شوراهای روستایی

نتایج تحقیقات نشان داده است که شوراهای روستایی ارتباط بین افراد جامعه محلی را گسترش می‌دهند که خود منجر به آگاهی بیشتر افراد و همچنین، افزایش ظرفیت جامعه خواهد شد. شوراهای روستایی، به‌عنوان پایین‌ترین سطح مدیریت محلی، در مدیریت و به‌ویژه در پاسخ به دغدغه‌های جامعه، نقشی مهم ایفا می‌کنند (Cheshire et al., 2014)؛ و با توجه به توان خود، می‌توانند اختیارات بیشتری را عهده‌دار شوند و کارکردهای مختلف داشته باشند. از نقش و کارکرد شوراهای روستایی، می‌توان به تأثیر آن‌ها در بهبود زیرساخت‌های اقتصادی محلی و ایجاد فرصت برای گروه‌های محروم از قدرت سیاسی (Prasad, 1980) و افزایش مشارکت مردم در فعالیت‌های محلی (Yarwood, 2002) اشاره کرد. شایان یادآوری است که برای ایفای بهتر نقش این نهاد، تمرکز بر رهبری دموکراتیک محلی می‌تواند سبب تغییر قدرت

در جوامع محلی شود و به تنوع بیشتر نمایندگان منتخب، ارتقای استانداردهای رفتاری و نیز تقویت و انعطاف‌پذیری حاکمیت محلی و در پی آن، تقویت تصمیم‌گیری‌های محلی بینجامد. شوراهای روستایی می‌توانند از توانایی حل مسائل توسعه اجتماعی و اقتصادی و سیاست‌های مرتبط برخوردار باشند. همچنین، این نهاد از طریق مشارکت روستاییان در سطوح مختلف تصمیم‌گیری، اجرا، منافع و ارزیابی، می‌تواند در زمینه مدیریت روستایی، تمرکززدایی، انتقال خواسته‌ها، اعتماد به نفس و بلوغ اجتماعی نقش مهمی ایفا کند (Gholamrezai et al., 2016). بنابراین، با توجه به نکات یادشده، می‌توان چنین برداشت کرد که شوراهای روستایی یک نهاد مردمی و دموکراتیک به شمار می‌روند؛ و وجود این نهاد مردمی می‌تواند به ظرفیت‌سازی (Chilton, 1991) و تقویت فرهنگ‌ها (Coleman, 2001b) و نیز اصلاح ساختار سیاسی یک جامعه کمک کند (Conyers, 1993).

شوراهای روستایی و انتخابات

مشارکت سیاسی بیش از هر چیز در انتخابات تجلی می‌یابد که نمادی از مردم‌سالاری و شاخصی مهم از میزان توسعه‌یافتگی جوامع به شمار می‌رود (Alamdar et al., 2016). هراندازه حساسیت نسبت به مشارکت سیاسی بیشتر و نتیجه مشارکت‌های قبلی ملموس‌تر باشد، میزان حضور در انتخابات بعدی افزایش می‌یابد (Pishgahifard, 2001). امروزه، انتخابات در هر کشوری بر بالندگی و پویایی فضای سیاسی جامعه می‌افزاید و توانایی حکومت در پذیرش و هضم جریان‌های سیاسی مختلف را می‌رساند، که مؤید اقتدار آن است. حق رأی و تعیین سرنوشت از مصادیق حقوق شهروندی نیز شمرده می‌شود و در ایران، شوراها سازوکاری برای گسترش و تعمیق مشارکت مردم شهر و روستا در عرصه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. اختصاص فصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدین نهاد نشانگر دوراندیشی واضعان قانون اساسی در قانون‌مندی‌سازی مشارکت مردم در سطوح محلی و منطقه‌ای است تا با استفاده از ظرفیت‌های اعطاشده به شوراها، گامی مهم در تمرکززدایی و واگذاری اختیارات به نمایندگان منتخب مردم در مناطق مختلف برداشته شود (Mazhari, 2016).

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه کیفی حاضر، با بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد، با رویکردی اکتشافی انجام گرفته که یک روش شناخته‌شده است و در تحقیقات طبیعت‌گرایانه به کار گرفته می‌شود (DePoy and Gitlin, 2019) و یکی از شناخته‌شده‌ترین دیدگاه‌های روش‌شناختی در مورد چگونگی انجام تحقیقات کیفی در علوم اجتماعی به شمار می‌رود (Haig, 2010) که مبنی بر کشف یا ساختن نظریه از داده‌هاست و اساس کار آن تجزیه و تحلیل نظام‌مند با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای است، اگرچه این روش ذاتاً انعطاف‌پذیر است، اما روش پیچیده‌ای است (Chun Tie et al., 2019)، که منجر به تولید یک نظریه می‌شود و فرآیند یک پدیده خاص را شرح می‌دهد (Bryant and Charmaz, 2007; Birks and Mills, 2015). بنابراین، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد یا مفهوم‌سازی بنیادی به معنی «مبتنی بودن بر...» یا «بر اساس و بنیاد... بودن» بوده و روشی است که بر اساس و پایه داده‌ها، به تولید نظریه می‌پردازد (Danaeifard and Emami, 2007). نظریه‌پردازی داده‌بنیاد یک روش‌شناسی استقرایی کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا به تهیه گزارش نظری از «ویژگی‌های عمومی موضوع» و به‌طور هم‌زمان، به تحکیم پایه این گزارش در مشاهده‌های تجربی داده‌ها بپردازد (Fernández, 2004). همچنین، این رهیافت نظام‌مند و کیفی به‌منظور تولید نظریه‌ای است که یک فرآیند، کنش یا برهم‌کنش را درباره یک پدیده کوچک در سطح کلی تشریح کند (Clark and Creswell, 2005). داده‌هایی که توسط نظریه‌پرداز داده‌بنیاد برای تشریح فرآیندها گرد می‌آورد، شامل بسیاری از انواع داده‌های کیفی است که از این جمله‌اند: مشاهده‌ها، گفت‌وگوها، مصاحبه‌ها، اسناد رسمی، خاطرات پاسخ‌دهندگان و مجلات و تأملات شخصی خود پژوهشگر (Danaeifard and Emami, 2007; Clark and Creswell, 2005; Charmaz, 1990). ضرورت استفاده از این رهیافت زمانی است که به یک نظریه یا تبیین کلی (اجمالی) یک فرآیند نیاز باشد و نظریه‌های موجود به مشکل موردنظر یا به مشارکت‌کنندگان در فرآیند موردنظر نمی‌پردازد؛ در این حالت، نظریه داده‌بنیاد یک نظریه «تولید» می‌کند (Danaeifard and Emami, 2007).

از آنجا که نظریه داده‌بنیاد در داده‌ها «بنیان» دارد، نسبت به نظریه‌ای که برگرفته از مجموعه نظریه‌های موجود و تطبیق آن‌هاست، تبیین بهتری ارائه می‌دهد، زیرا با موقعیت تناسب دارد، در عمل واقعاً کارآمد است، افراد ساکن در یک محیط را در نظر می‌گیرد و احساسات آن‌ها را درک می‌کند و ممکن است همه پیچیدگی‌هایی را که واقعاً در فرآیند یافت می‌شود، نشان دهد (Clark and Creswell, 2005).

در تحقیق حاضر، برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان، از نمونه‌گیری هدفمند گلوله‌برفی استفاده شد. جامعه این تحقیق را هفده نفر از افراد مطلع کلیدی عضو شوراهای اسلامی روستا، دهیاران شهرستان خرم‌آباد و کارشناسان مرتبط با امور شوراهای روستایی در فرمانداری و بخشداری این شهرستان تشکیل دادند. در این روش، پژوهشگر پس از شناسایی یا انتخاب اولین واحد نمونه‌گیری، از آن برای شناسایی و انتخاب واحدهای بعدی نمونه‌گیری کمک می‌گیرد و به همین ترتیب، دیگر واحدهای نمونه انتخاب می‌شوند (Ranjbar et al., 2012)؛ و این فرآیند تا دستیابی به اشباع نظری ادامه می‌یابد (Creswell and Poth., 2016; Vollstedt and Rezat, 2019; Strauss and Corbin, 1990; Khosravi et al., 2016).

در پژوهش حاضر، مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با سؤالات کلی و ساده شروع و به سمت سؤالات جزئی‌تر پیش رفت. اعتبارپذیری و اطمینان‌پذیری نتایج تحقیق از طریق فن‌های کنترل اعضا و فن‌های مثلث‌سازی^۱ حاصل شد؛ همچنین، رضایت آگاهانه^۲، حفظ گمنامی^۳، محرمانه بودن اطلاعات، حق کناره‌گیری در طول مطالعه و دیگر تعهدات اخلاقی لحاظ شد؛ و با استفاده از مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین (Strauss and Corbin, 1998)، پنج ویژگی اصلی (شماره ۱) که بر مسئله تحقیق تأثیر می‌گذارند، مورد بررسی قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها در روش داده‌بنیاد، مبتنی بر توسعه نظریه است و برای دستیابی بدین هدف، داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش‌های مختلف کدگذاری به‌عنوان فرآیند اصلی ارزیابی

1. triangulation
2. informed consent
3. anonymity

می‌شوند و با توجه به مدل مورد استفاده، نوع کدگذاری‌ها با هم متفاوت خواهد بود (Vollstedt and Rezat, 2019). با این همه تحلیل مدل یادشده بر پایه سه نوع کدگذاری بنا شده است که عبارت‌اند از: کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری انتخابی^۳ (Teppo, 2015; Glaser, 1978; Mey and Mruck, 2011; Strauss and Corbin, 1990). در زیر به صورت مختصر موارد توضیح داده شده است.

کدگذاری باز (آزاد) به معنی تحلیل و بازنگری خط به خط مصاحبه‌ها و اختصاص کد به هر جمله است (Strauss and Corbin, 1990; Teppo, Danaeifard and Emami, 2007). در این مرحله، فرآیندی طی می‌شود که از رهگذر آن، مفاهیم شناسایی شده، ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند (Lee, 2001; Strauss and Corbin, 1998). در واقع، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، با بخش‌بندی اطلاعات، مقوله‌های اولیه اطلاعات در خصوص پدیده در حال مطالعه را شکل می‌دهد (Danaeifard and Emami, 2007). همچنین، پژوهشگر به بنیان‌گذاری مقوله‌ها بر پایه همه داده‌های جمع‌آوری شده نظیر مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و وقایع یا یادداشت‌های خود می‌پردازد (Clark and Creswell, 2005).

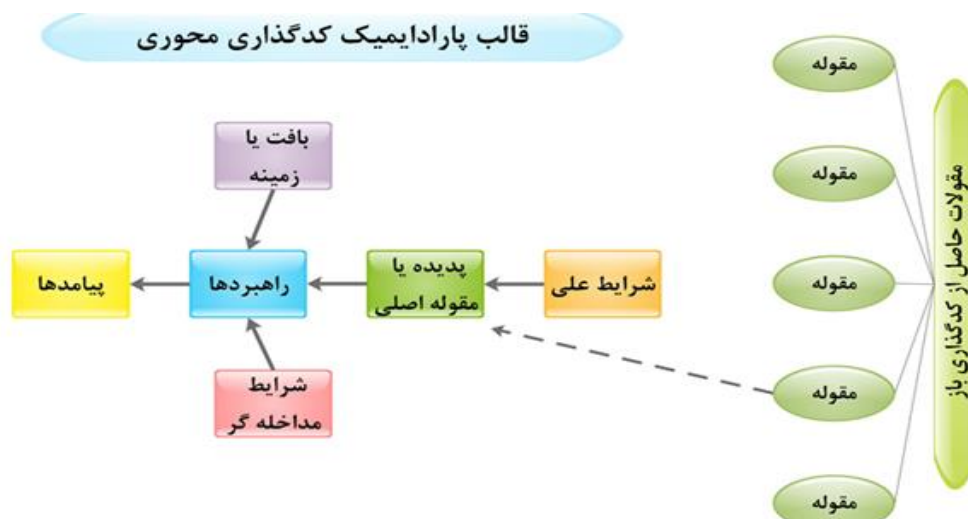
کدگذاری محوری؛ عبارت است از سلسله رویه‌هایی که با آن‌ها، پس از کدگذاری باز، با برقراری پیوند بین مقولات، اطلاعات به شیوه‌های جدید به یکدیگر مرتبط می‌شوند (Corbin and Strauss, 2014). این کدگذاری برای بررسی روابط بین مفاهیم و دسته‌های ایجادشده در فرآیند کدگذاری باز یا آزاد مورد نیاز است (Mey and Mruck, 2011; Teppo, 2015; Strauss and Corbin, 1990). برای برقراری روابط بین مقولات، باید داده‌ها و کدها بر اساس پارادایم کدگذاری، بررسی شوند و با تمرکز بر آن، به بررسی پنج مؤلفه اصلی پرداخته شود که سبب کشف روابط بین مفاهیم و دسته‌ها خواهد شد؛ و آن‌ها در یک سطح به هم

-
1. open coding
 2. axial coding
 3. selective coding

مرتبط می‌شوند (Strauss and Corbin, 1990; Chun Tie et al., 2019)، مؤلفه‌های یادشده،

به ترتیب، عبارت‌اند از:

- شرایط علی: مقوله‌های مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند؛
 - زمینه: شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند؛
 - مقوله محوری: یک صورت ذهنی از پدیده‌ای که اساس فرآیند است؛
 - شرایط مداخله‌گر: شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند؛
 - راهبردها: کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود؛ و
 - پیامدها: خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها (Danaeifard and Emami, 2007).
- کدگذاری انتخابی (گزینشی)، در این مرحله پایانی، باید مقوله انتخاب شود و ارتباط بین کلیه مقولات عمده حول محور مقوله مورد بررسی قرار گیرد.



شکل ۱- مدل پارادایمی نظریه داده‌بنیاد

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان خرم‌آباد، مرکز و پرجمعیت‌ترین شهرستان استان لرستان است. بر اساس

سرشماری مرکز آمار ایران، جمعیت شهرستان خرم‌آباد در سال ۱۳۹۵ برابر با ۵۰۶ هزار و ۴۷۱

نفر بوده است. این شهرستان دارای هفده دهستان در بخش‌های مرکزی، زاغه، پاپی و بیرانوند است و در مجموع، ۲۲۲ روستای شهرستان، دهیاری و شورای روستایی دارند. در پنجمین دوره انتخابات شهر و روستا که در سال ۱۳۹۶ برگزار شد، ثبت‌نام‌شدگان نهایی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستای استان لرستان ۹۳ هزار و ۹۳ نفر بودند که نسبت به دور قبل بیست درصد افزایش داشته است. مقایسه رشد شهرستان‌ها در تعداد داوطلبان انتخابات شوراهای شهر و روستا، نشان می‌دهد که در مجموع، نسبت به دور قبل (سال ۱۳۹۲)، شهرستان خرم‌آباد ۹۴ درصد و استان لرستان بیست درصد رشد داشته و با توجه به میانگین کشوری رشد تعداد داوطلبان انتخابات شوراها (چهارده درصد)، رتبه این استان با شش درصد رشد بیشتر در شمار داوطلبان، خوب ارزیابی شده است. شایان یادآوری است که شمار داوطلبان زن در شورای روستاهای استان لرستان نسبت به دور قبل ۹۴ درصد افزایش داشته که نشانگر رشد اجتماعی زنان جامعه است. از این رو، با توجه به پیش روی داشتن انتخابات بعدی، این سؤال برای محققان مطرح بود که «آیا این نهاد ظرفیت‌هایی را دارد که بتوان از آن برای افزایش مشارکت مردم محلی در انتخابات بهره برد؟»؛ بنابراین، با توجه به ماهیت تحقیق که مبتنی بر کشف و تحلیل بوده، نظریه داده‌بنیاد^۱ بهترین مدل انتخابی برای تحلیل، تشخیص داده شد.

نتایج و بحث

در راستای پاسخ به سؤال تحقیق، با شش نفر از کارشناسان امور شوراهای روستایی مصاحبه صورت گرفت. نخست، یافته‌های توصیفی جمعیت شناختی افراد مصاحبه‌شونده بررسی شده که نتایج آن در جدول ۱ آمده است. سپس، با دوازده نفر از دهیاران و اعضای شوراهای روستایی در بخش مرکزی و زاغه (در روستاهای درب آستان، امام‌آباد، حشمت‌آباد و رود خشکه) مصاحبه صورت گرفت؛ و برای بهره‌گیری از نظرات اهالی روستا و افراد کلیدی

در جوامع روستایی، نتایج مصاحبه‌های بخش‌های اول و دوم ترکیب شدند. شایان یادآوری است که میانگین سنی مصاحبه‌شوندگان ۵۰/۴۳ سال بود.

جدول ۱- ویژگی افراد مصاحبه‌شونده

سمت / محل خدمت	تحصیلات
دو نفر از کارمندان بخش‌داری مرکزی	کارشناس جغرافیا، کارشناس عمران
کارشناس فنی در بخش‌داری مرکزی	کارشناس عمران
کارشناس توسعه روستایی در فرمانداری مرکزی	فوق لیسانس برنامه‌ریزی محیطی
کارشناس بازرسی و شورا در فرمانداری مرکزی	دانشجوی دکتری حقوق
کارشناس عمران در فرمانداری مرکزی	کارشناس ارشد عمران

مأخذ: یافته‌های پژوهش

برای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی پژوهش، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، از طریق مصاحبه نیمه‌ساختارمند با هجده نفر از اعضای شوراهای و کارشناسان مرتبط، اطلاعات موردنیاز به‌دست آمده و با استفاده از مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین (Strauss and Corbin, 1998)، نسبت به تحلیل یافته‌ها اقدام شده است؛ و در گام اول، به‌صورت مرور سطر به سطر، «کدهای باز» استخراج شدند. فرآیند تحلیلی نام‌گذاری مفهوم‌ها و طبقه‌بندی و کشف ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در کدگذاری محوری صورت گرفت که پژوهشگر، با انجام مقایسه مداوم (آلاکلنگی)، به تحلیل مفاهیم از محتوای داده‌ها از درون و بیرون می‌پردازد تا دیدگاهی متفاوت نسبت به اهمیت و جایگاه مفاهیم به دست آید. بر اساس مدل به‌کارگرفته‌شده، تحقق هر پدیده و یا اتفاقی و یا بررسی علل رخ دادن هر رویدادی را باید در قالب پنج عنصر اصلی و مهم جویا شد؛ این عناصر عبارت‌اند از: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی (مداخله‌گر)، راهبردها و پیامدها که با استفاده از تحلیل محتوا از مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با مصاحبه‌شوندگان، انتخاب‌شده استخراج شده‌اند و در پی، تشریح می‌شوند.

۱- شرایط علی

در ابتدای تحلیل، بر اساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین (Strauss and Corbin, 1998)، به بررسی شرایط علی مسئله پرداخته شد. شرایط علی شرایطی هستند که منجر به وقوع

یا پیشرفت پدیده اصلی می‌شوند (Mishra et al., Papi et al., 2017; Choi et al., 2018); (Van Heerden and Jooste, 2018; 2014)؛ و یا می‌توان شرایط علی را این‌گونه تعریف کرد: مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند (Danaeifard and Emami, 2007). مقوله اصلی و محوری افزایش مشارکت جوامع روستایی در انتخابات بوده است و در تحقیق حاضر، مواردی که به‌عنوان شرایط علی این افزایش مشارکت مشخص شد، عبارت‌اند از:

- اعمال سیاست تمرکززدایی؛
- بازنگری در شرح وظایف شوراها؛ و
- اقدامات لازم برای تقویت جایگاه شوراها در عرصه سیاسی در سطوح قانون‌گذاری و اجرایی.

۱-۱- اعمال سیاست تمرکززدایی

بی‌تردید، عدم تمرکز نویدبخش تحولات مهم اجتماعی خواهد بود (Chattopadhyay et al., 2010)؛ لازمه خصوصی‌سازی ایجاد تحولات در بستر جامعه است (Zhuang, 2014) و با اعمال سیاست تمرکززدایی، مردم نقش مهمی در شکل‌گیری تصمیمات خواهند داشت (Samanta, 2014). با توجه به نکات پیش‌گفته و نیز نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های صورت گرفته، می‌توان چنین برداشت کرد که نهادینه شدن نظام و شیوه تمرکززدایی در کلیه عرصه‌های مرتبط با ذی‌نفعان، خواه‌ناخواه، در تقویت جایگاه سیاسی شوراها و متعاقب آن، ارتقای فرهنگ سیاسی جامعه روستایی مؤثر خواهد بود؛ و البته یکی از سازوکارهای تقویت جایگاه شوراها در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی اتخاذ و اعمال سیاست تمرکززدایی از سوی تصمیم‌گیران ستادی و قانون‌گذاری است.

۱-۲- بازنگری در شرح وظایف شوراها

از جمله وظایف شوراهای اسلامی روستا عبارت‌اند از: بیان و ارائه توضیح سیاست‌های دولت و تشویق و ترغیب روستاییان به اجرای سیاست‌های ارائه‌شده توسط دولت؛ همکاری با

مسئولان ذی‌ربط برای احداث، اداره، نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات عمومی، اقتصادی، اجتماعی و رفاهی مورد نیاز روستا در حدود امکانات؛ تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آن‌ها؛ همکاری با نیروهای انتظامی برای برقراری امنیت و نظم عمومی؛ ایجاد زمینه مناسب و جلب مشارکت عمومی در اجرای فعالیت‌های تولیدی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی؛ برنامه‌ریزی در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، سوادآموزی و سایر امور با موافقت و هماهنگی مراجع ذی‌ربط؛ و از همه مهم‌تر، انتخاب دهیار برای مدت چهار سال و معرفی آن به بخشدار برای صدور حکم.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، شورای اسلامی روستا عموماً وظایف سیاسی کمتری را عهده‌دار می‌شود و عمدتاً کارکرد این نهاد حول مسائل توسعه عمرانی مناطق روستایی تعیین شده است؛ اما همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، شوراهای روستایی نهادهای دمکراتیک هستند که می‌توانند باعث افزایش آگاهی عمومی، شفافیت در اداره امور، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری مدیران شوند (Karimi and Imani Jajarmi, 2009) و نیز می‌توانند در ترغیب مشارکت افراد محلی بسیار مؤثر عمل کنند و باعث گسترش دموکراسی و توزیع قدرت در سطح محلی شوند (Mousavi, 2015). از این رو، هنگامی می‌توانیم از ظرفیت‌های این نهاد در راستای افزایش مشارکت مردم در انتخابات بهره‌بریم که در انجام وظایف آن تغییراتی ایجاد شود و بدون شک، بازنگری در شرح وظایف شوراهای می‌تواند در این راستا موفق و مؤثر عمل کند و منافی به شرح را به دنبال داشته باشد:

- تبیین و توجیه سیاست‌های دولت و تشویق روستاییان در راستای اجرای سیاست‌های یادشده؛
- افزایش مشارکت‌های مردمی و همچنین، بررسی مسائل و مشکلات روستاییان به‌منظور توسعه؛
- دخالت دادن روستاییان در تعیین سرنوشت خویش؛ و
- تعامل دوسویه دولت و شوراهای که کاهش هزینه‌های دولت برای توسعه روستاها را به دنبال دارد.

۱-۳- اقدامات لازم برای تقویت جایگاه شوراها در عرصه سیاسی در سطوح قانون‌گذاری و اجرایی
از آنجا که شوراهای روستایی یکی از نهادهای اجتماعی و به‌عنوان نهادی که در پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی و از طریق همکاری‌های مردمی انتخاب می‌شود و به‌رغم اهمیت آن در توسعه روستایی و توسعه انسانی، متأسفانه از استقلال کافی برخوردار نیست، لازم است به توسعه این نوع نظام به‌عنوان یک‌نهاد مستقل توجه بیشتری از سوی دولت صورت گیرد، چراکه یکی از لازمه‌های توسعه روستایی توسعه شوراها و دهیاری‌هاست که مانع مهاجرت روستاییان به شهرها می‌شود. شایان یادآوری است که از وظایف دهیار می‌توان کمک به شورا در خصوص بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و امور رفاهی روستا را برشمرد. در راستای تقویت جایگاه شوراها در عرصه سیاسی می‌توان دامنه فعالیت شوراها را گسترده‌تر و وظیفه انجام فعالیت‌هایی به شرح زیر را بدین نهاد واگذار کرد:

- معرفی و شناسایی استعدادها؛
- ایجاد تشکل‌ها و احزاب سیاسی؛
- معرفی و شناساندن احزاب موجود به همراه بیانیه‌ها؛
- تشکیل جلسات برای معرفی نامزدهای ریاست جمهوری؛
- هماهنگی با آموزش و پرورش برای تشکیل شوراهای جوانان روستایی؛
- تشکیل جلسات برای معرفی نامزدهای شورای روستا؛ و
- آگاه‌سازی روستاییان نسبت به مسائل سیاسی روز.

۲- شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر به شرایطی اطلاق می‌شود که بر پدیده مرکزی تأثیر می‌گذارند (Papi et al., 2017; Choi et al., 2018; Amar and Haag, 2017; Lindkvist et al., 2015; Joo and Kim, 2013; Knaggs, 2012) و کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شوند (Danaeifard and Emami, 2007). نتایج تحقیق نشان داد که از مهم‌ترین شرایط مداخله‌گر مؤثر بر افزایش مشارکت جوامع روستایی در انتخابات عبارت‌اند از:

- نظارت درست و عادلانه؛ و
- آموزش.

۱-۲- نظارت درست و عادلانه

یکی از شرایط مداخله‌گر در توسعه سیاسی اجرای فعالیت‌های منجر به دموکراسی و مشارکت مردمی است؛ و از آن مهم‌تر، رعایت درست، کامل و بدون سوگیری نمودهای مشارکت است که مستلزم پایش و نظارت مستمر بر اجرای این نمودهاست. در این میان، در صورت ایجاد بستر و زمینه نظارت شوراها با هدف کنترل، جلوگیری از انحراف و سلامت نمودهایی چون انتخابات و رأی‌گیری‌های محلی، منطقه‌ای و ملی، امکان تحقق توسعه سیاسی و سیاسی شدن جامعه روستایی افزایش خواهد یافت.

۲-۲- آموزش

از آنجا که یکی از موانع و عوامل بازدارنده مشارکت اجتماعی و سیاسی ناآگاهی و نیز ناآشنایی روستاییان و البته اعضای شورا روستایی در زمینه مدیریت و اجرای کار جمعی به شیوه نوین است، برگزاری برنامه‌های آموزشی در حیطه‌های دانشی و بینشی و نیز تمرین دموکراسی و تصمیم‌گیری جمعی و مشارکتی از طریق تسهیلگری و مداخله‌گری‌های نرم و پایشی می‌تواند در توسعه سیاسی اجتماعات مؤثر باشد.

۳- شرایط زمینه‌ای

مفهوم شرایط زمینه‌ای دربرگیرنده مجموعه‌ای خاص از شرایط / ویژگی‌های پدیده است که روی پدیده، چگونگی اجرای آن یا شرایط خاص ایجادشده از مشکل تأثیر می‌گذاردند (Choi et al., 2018; Joo and Kim, 2013; Haig, 2010; Chun Tie et al., 2019; Mishra et al., 2007; Halaweh et al., 2008; Schraw et al., 2014). در تحقیق حاضر، شرایط زمینه‌ای در راستای شناسایی ظرفیت‌های شوراهای روستایی در افزایش مشارکت جوامع محلی روستایی عبارت‌اند از:

- سطح سواد و وضعیت آموزش و پرورش منطقه؛
- اعتماد و انسجام اجتماعی در منطقه؛
- روحیه مشارکت و کار گروهی در منطقه؛

- درک مدیران و مسئولان نسبت به توان روستاییان و شوراهای در عرصه سیاسی؛ و
- رعایت بی‌طرفی.

۳-۱- سطح سواد و وضعیت آموزش و پرورش منطقه

در انتخابات اعضای شوراهای روستایی، شروطی برقرار است که شرایط عام بوده و عموم مردم امکان نام‌نویسی و نامزدی را دارند و شرایطی خاص مبنی بر لزوم بهره‌مندی این افراد از سواد و دانش مرتبط وجود ندارد؛ و فقط شرایط عدم امکان نامزد شدن به‌طور واضح و جزئی مشخص و تعیین شده است. اعضای شورا وقتی می‌توانند در راستای توسعه عمرانی- اجتماعی جوامع روستایی و احقاق حقوق این قشر موفق عمل کنند که هم با قوانین آشنایی لازم را داشته باشند و بتوانند در موارد خاص از جمله انتخابات، نفوذی قابل قبول بر مردم داشته باشند و بتوانند به تبیین ضرورت مشارکت در انتخابات و یا راهنمایی برای انتخاب گزینه اصلح بپردازند؛ بنابراین، در اولویت قرار دادن تحصیلات و توجه به وضعیت آموزشی منطقه به‌منظور توسعه بخشی به نهاد شورایی روستاها یکی از لازمه‌های ماندگاری و پایداری روستاییان و همچنین، توسعه پایدار روستاست.

۳-۲- اعتماد و انسجام اجتماعی در منطقه

نتایج مصاحبه‌های تحقیق حاضر نشان داد که «اعتماد و انسجام اجتماعی» از جمله مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در افزایش مشارکت مردم روستایی در انتخابات است؛ در واقع، اعتماد اجتماعی همان اعتماد بین مردم و نهادها، دولت و احزاب سیاسی است که هر اندازه بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و جوامع توسعه یافته‌تر می‌شوند. انسجام اجتماعی نیز به توافق جمعی میان اعضا یک جامعه اشاره دارد که حاصل پذیرش و درونی‌سازی نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق خاطر جمعی و انباشت اندوخته‌ای از تعامل‌ها در میان افراد آن جامعه است (Coleman, 2001a). مردم به امید رسیدن به وضعیتی بهتر در انتخابات اعم از شورا، مجلس یا ریاست جمهوری شرکت می‌کنند، ولی گاه همین انتخابات تأثیراتی بر شکاف‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی خواهد داشت. بی‌تردید، بالا بردن مشارکت سیاسی مهم است، ولی آیا اندیشیده می‌شود که این مشارکت بالا در مناطقی با

ساختار قبیله‌ای (همانند جوامع روستایی با دسته‌بندی‌های قومیتی مختلف) به چه قیمتی حاصل می‌شود؟ آیا می‌دانیم این مشارکت بالا به قیمت فرسایش سرمایه اجتماعی پیوندی و تعمیق شکاف‌های اجتماعی و ترمیم‌ناپذیری آن‌ها به دست می‌آید؟ گاه مشاهده شده است که ساکنان یک روستا یا قسمتی از روستا، به دلایلی خاص، حامی یک نامزد و قسمتی از روستا و یا روستای مجاور حامی نامزد دیگری می‌شوند و این مرزبندی‌های سیاسی چه‌بسا ریشه در اختلافات گذشته دارد و در انتخابات پرننگ‌تر و حتی تعمیق و تشدید می‌شود. این خط‌کشی‌ها در انتخابات هرچند سال یک‌بار تکرار می‌شود و به‌نوعی ساختار اجتماعی در محلات کوچک توسط نامزدها مورد دست‌اندازی قرار می‌گیرد تا حدی که می‌توان گفت میزان فرسایش سرمایه اجتماعی در انتخابات شوراها وسیع‌تر است و تا عمیق‌ترین لایه‌های جامعه نفوذ می‌کند. شکاف‌های اجتماعی در سطح طایفه‌ای و حتی لایه‌های پایین‌تر مانند تیره و خانوار نیز رخ داده است و بارها شاهد اختلافات جدی و تنش‌ها و دعوای طایفه‌ای و خانوادگی در ایام انتخابات بوده‌ایم. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، سطح سواد و آگاهی افراد منطقه بسیار اهمیت دارد و نیز سطح سواد و آگاهی اعضای شوراها در این زمینه می‌تواند بسیار مؤثر باشد، به‌گونه‌ای که اعضای شورا با راهنمایی برای انتخاب به‌دور از تعصب قومیتی، به اختلافات پایان دهند؛ و حتی در انتخابات بزرگ‌تری همانند انتخابات مجلس شورای اسلامی و یا ریاست جمهوری، بتوان بدون تنش، گزینه بهتر را انتخاب کرد و چشم به بهبودی شرایط کنونی داشت.

۳-۳- روحیه مشارکت و کار گروهی در منطقه

با توجه به توانایی‌های محدود ذهنی انسان و تفاوت در توانایی‌ها و مهارت‌ها و نیز محدودیت‌های زمانی، یک فرد به‌تنهایی نمی‌تواند به‌جای همه افراد فکر کند و تصمیم بگیرد و سرانجام، توقع داشته باشد که همه فعالیت‌ها به‌درستی و با برنامه‌ریزی دقیق انجام شود؛ و همگان شاهد موفقیت و پیشرفت باشیم؛ بنابراین، استفاده از خرد جمعی و همکاری‌های گروهی بین اعضا، استفاده از تجارب افراد آموزش‌دیده و باتجربه و تبادل اطلاعات بین روستاییان و دیگر افراد، با اعتباربخشی به نظر روستاییان، باعث تقویت اعتمادبه‌نفس و همچنین، روحیه مشارکت‌جویی در روستاییان می‌شود.

۳-۴- درک مدیران و مسئولان نسبت به توان روستاییان و شوراهای در عرصه سیاسی

توسعه روستایی یک ضرورت بنیادی برای توسعه ملی است؛ بنابراین، لازم است که مدیران و مسئولان توجه بنیادی به نظام روستایی و توجه به نقش و اهمیت فعالیت‌های سیاسی شورای روستایی به عنوان یک نهاد مستقل داشته باشند؛ اما متأسفانه نه تنها به نقش سیاسی و حضور شورا در روستاها توجه نمی‌شود، بلکه تاکنون این شورا به عنوان یک نهاد وابسته به سایر نهادهای سیاسی در نظر گرفته شده و حضور روستاییان در فعالیت‌های سیاسی به فراموشی سپرده شده است.

۳-۵- رعایت بی طرفی

با توجه به پیچیدگی حاکم بر فضای سیاسی امروز کشور، بحث در مورد تقسیم‌بندی گروه‌های سیاسی دشوار می‌نماید، زیرا هیچ‌کدام از گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در قالب احزاب با مرانامه‌های تعریف شده و کلاسیک نمی‌گنجند و بیشتر گروه‌ها به‌ویژه در بین روستاییان که کمتر در فعالیت‌های سیاسی و احزاب سیاسی دخالت داشته‌اند، از دیدگاه‌های مبتنی بر اعتقادات اسلامی برخوردارند؛ بنابراین، یکی از لازمه‌های توسعه سیاسی در بین روستاییان مشارکت دادن مردم در انتخابات بدون توجه به گروه یا حزب خاص است؛ و به همین ترتیب، یکی از مشکلات روستاییان در این زمینه شفاف نبودن موضع‌گیری‌ها و یا تغییر موضع گروه‌های سیاسی و تقسیم‌بندی این گروه‌هاست.

۴- راهبردها

راهبردها به عنوان چهارمین عنصر از مدل یادشده به اقداماتی اشاره دارد که یک مشکل را حل می‌کنند (Corbin, 2014; Vollstedt and Rezat, 2019; Chun Tie et al., 2019; Haig, 2010)؛ و نتایج تحقیق حاضر نشان داد که در راستای افزایش مشارکت جوامع محلی در انتخابات، راهبردهایی به شرح زیر می‌توانند مؤثر واقع شوند:

- معرفی و شناسایی استعدادها؛
- برگزاری جلسات مستمر با هدف افزایش آگاهی روستاییان و کسب نظرات آن‌ها؛
- تقویت جایگاه شوراها در تمامی انتخابات؛ و

- مشارکت شوراهای در تصمیمات منطقه‌ای.

۱-۴- معرفی و شناسایی استعدادها

به منظور شناسایی نقاط ضعف روستاها و تلاش در راستای تقویت و توسعه زیرساخت‌ها، از بین افراد فعال در زمینه‌های سیاسی و برخوردار از سطح تحصیلات بالاتر، تعدادی به عنوان مسئول امور روستایی و رسیدگی به مشکلات زیرساختی روستاها با هم‌گرایی شوراهای روستایی و دهیاری‌ها به رفع مشکلات روستا کمک می‌کنند.

۲-۴- برگزاری جلسات مستمر با هدف افزایش آگاهی روستاییان و کسب نظرات آن‌ها

یکی از محدودیت‌های روستاییان فعالیت‌های کم سیاسی و عدم توجه بدین مقوله است که نتیجه آن فقدان اطلاعات و آگاهی در زمینه‌های سیاسی و همچنین، عدم مشارکت‌های اجتماعی است؛ بنابراین، برگزاری جلسات و ارزیابی مشارکت‌های روستایی، تبادل نظر بین روستاییان و افراد خبره، آموزش‌های مستمر سیاسی- اجتماعی به منظور آگاه کردن روستاییان از حقوق خود و... از الزامات توسعه روستایی به ویژه توسعه پایدار است.

۳-۴- تقویت جایگاه شوراهای در تمامی انتخابات

بیشتر روستاییان بر این باورند که شوراهای روستایی یک نهاد وابسته به دیگر نهادهای سیاسی است و یک نهاد مستقل به حساب نمی‌آید. از این رو، با توجه به نقش و اهمیت شوراهای روستایی به عنوان یک نهاد سیاسی در توسعه روستاها و بهبود وضعیت اجتماعی و سیاسی روستاییان، تقویت جایگاه شوراهای در تمامی انتخابات ضرورت دارد.

۴-۴- مشارکت شوراهای در تصمیمات منطقه‌ای

توجه به نقش و اهمیت شوراهای در پیشبرد راه‌های توسعه‌ای منطقه و همچنین، واگذاری اعتبارات و امکانات به شوراهای پستوانه‌ای برای تشویق به انجام فعالیت‌های تعریف شده این نهاد به شمار می‌رود. اگر شوراهای روستایی در سایر تصمیم‌گیری‌های مربوط به منطقه خود دخالت داده شوند، بر میزان اعتبار این نهاد افزوده خواهد شد و حتی می‌تواند بر میزان آگاهی افراد عضو شوراهای در راستای حل مشکلات روستایی محل سکونت خود بیفزاید.

۵- پیامدها

پیامدها وقتی بروز می‌کنند که راهبردها اعمال شوند و هدف مورد نظر تحقق یافته باشد (Chun Tie et al., 2019; Corbin and Strauss, 2014). در این قسمت از تحقیق بدین موضوع پرداخته شد که اگر جوامع محلی در انتخابات، اعم از انتخابات محلی و یا ملی، حضور گسترده داشته باشند، چه پیامدها و منافع خواهد داشت. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که اگر مسئله مدنظر تحقق یابد، پیامدهای زیر برای جوامع محلی متصور است:

- افزایش آگاهی و بینش سیاسی جوامع روستایی؛
- افزایش مشارکت روستاییان در تشکلهای سیاسی؛
- پاسخ‌گو بودن نهادهای مردمی؛ و
- القای پدیده هویت ملی در بین روستاییان.

۵-۱- افزایش آگاهی و بینش سیاسی جوامع روستایی

جوامع روستایی کمتر در جلسات شرکت می‌کنند و بیشتر در انزوا دور از مشارکت‌های سیاسی فعالیت دارند، که علت آن بیشتر عدم آگاهی و بینش به مسائل سیاسی (Samanta, 2014) و نداشتن خودباوری سیاسی و نیز ترس ناشی از عدم اعتماد به افراد و گروه‌هاست و مادامی که عدم آگاهی بر این قشر سایه افکننده باشد، هرگز نخواهند توانست همسو با اقشار دیگر در راستای توسعه گام بردارند.

۵-۲- افزایش مشارکت روستاییان در تشکلهای سیاسی

عنصر کلیدی توسعه روستایی مشارکت‌های مردمی است؛ بنابراین، افزایش مشارکت روستاییان یکی از عناصر اصلی توسعه به‌ویژه در روستاهاست. بدین منظور، ترغیب و تشویق روستاییان به شرکت در فعالیتهای سیاسی و تعیین سرنوشت خویش می‌تواند به توسعه روستاها کمک کند.

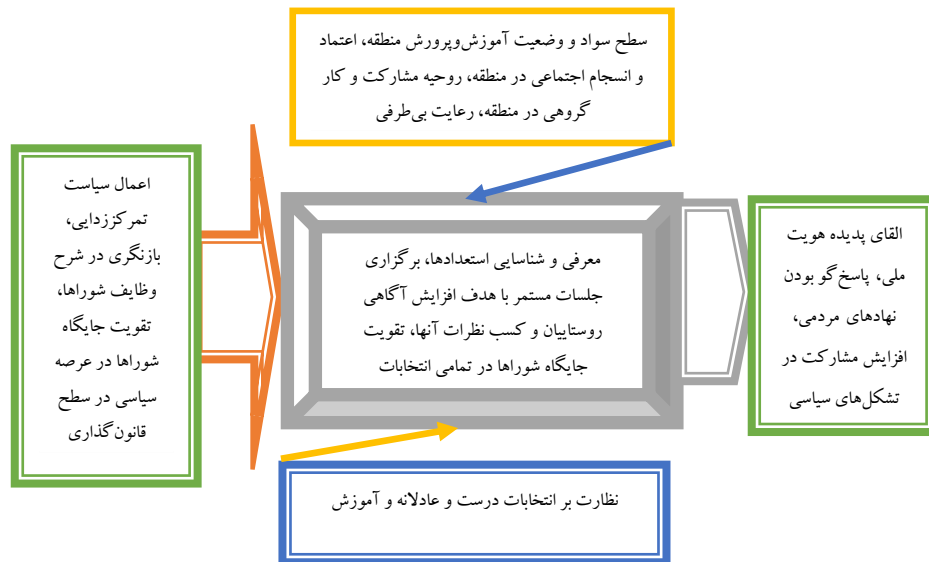
۵-۳- پاسخ‌گو بودن نهادهای مردمی

با واگذاری اختیارات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... به شوراهای روستایی، می‌توان به مسئولیت‌پذیری این نهاد مردمی کمک کرد.

۵-۴- القای پدیده هویت ملی در بین روستاییان

پایین بودن سطح تحصیلی روستاییان و توقف بیشتر آن‌ها در سطح دیپلم به دلیل کم‌رنگ بودن نقش نظام آموزشی در روستاست که این مسئله باعث انزوای روستاییان و عدم مشارکت آن‌ها در تشکلهای سیاسی و همچنین، محرومیت آن‌ها از قدرت چانه‌زنی و دفاع از حقوق خود خواهد شد؛ بنابراین، القای مفهوم هویت ملی در بین روستاییان می‌تواند به مسئله موردنظر مبنی بر مشارکت گسترده آن‌ها در انتخابات کمک کند.

در ادامه، از جمله پیامدهای تحقق هدف یادشده می‌توان به مواردی از قبیل آگاهی زنان به امور سیاسی، تشکیل جلسات برای معرفی وظایف و نقش‌های نهادهای حکومتی، برخورداری از اطلاعات مناسب در مورد مسائل روز کشور همکاری در برگزاری انتخابات، همکاری در نظارت بر انجام انتخابات، شناسایی و جذب نیروهای محلی برای تأمین نیروی انسانی و تشویق روستاییان به شرکت در انتخابات اشاره کرد.



شکل ۲- مدل طراحی شده بر اساس نظریه داده‌بنیاد برای بررسی ظرفیت‌های شوراهای روستایی در راستای افزایش مشارکت جوامع روستایی شهرستان خرم‌آباد در انتخابات

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اگرچه سابقه اندیشه دولت محلی و نظام تمرکززدایی در ایران به انقلاب مشروطه و نیز ایجاد انجمن‌های ایالتی و ولایتی در دهه‌های بعد از آن برمی‌گردد، ولی بیش از چند دهه است که ایران شاهد نمودی از مشارکت روستاییان در قالب شوراهای روستایی است. انتقال نقطه نظرات مردم به مسئولان و پیگیری مسئولان به مردم از طریق شوراها، ضمن ایجاد رضایت عمومی بیشتر، اعتماد مردمی را نیز به دنبال خواهد داشت. با مروری بر شرح وظایف و اختیارات شوراهای روستا، می‌توان دریافت که ضمن تأکید بر جلب مشارکت مردم، عمده وظایف و اختیارات محوله در راستای برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و تولیدی بوده و این نهاد کمتر در عرصه سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی ورود داشته است. از آنجا که تقریباً تنها نهاد مدنی و مشارکتی گسترده در سطح روستاهای کشور، شوراهای روستایی است، به نظر می‌رسد که در راستای تحقق توسعه سیاسی و افزایش مشارکت مردم روستایی، با توجه به افزایش مهاجرت روزافزون این قشر به شهرها و سهم آن‌ها (حدود یک‌سوم) در امور انتخابات استانی و ملی به‌عنوان نمود مشارکت سیاسی، بهره‌مندی از این نهاد در سیاسی شدن شایسته و واقع‌گرایانه جامعه یاد شده یک بایسته و ضرورت باشد.

پژوهش حاضر نشان داد که شوراها می‌توانند از طریق آگاه‌سازی مردم روستایی، همکاری با احزاب و تشکل‌ها، همکاری در انتخابات و نیز شناسایی استعدادها، در پیشبرد توسعه سیاسی روستاها نقش داشته باشند. برای تحقق این مهم، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- تعیین حدود و وظایف شوراهای اسلامی در قانون و این حدود و وظایف به‌طور کامل، توسط اعضا رعایت شود و اعضای شوراها وظایف خود را به‌درستی بشناسند و بر تحقق آن همت بگذارند.
- در سطح پایین و عملیاتی، از رهگذر آموزش روستاییان و اعضای شورا، پایش فعالیت‌های محوله، اعمال روش‌های تسهیلگری در راستای تشکیل شوراهای روستایی و انتخابات و مدیریت این نهاد، پایش جدی و بازخوردی برای جلوگیری از سوءاستفاده و رانت‌خواهی

اعضای شوراهای و نیز ارتقای جایگاه شوراهای به‌عنوان بازیگران فعال و سودمند در نمودهای ملموس و محسوس توسعه و عمران محلی باهدف کاهش ناکامی و بی‌اعتنایی جامعه روستایی، می‌توان امکان اثربخشی مستقیم و غیرمستقیم شوراهای روستایی در عرصه توسعه سیاسی را بالا برد.

- با توجه به نهادینه شدن رفتارهای اجتماعی در رده‌های سنی پایین، همکاری وزارت کشور با آموزش و پرورش با هدف حمایت و هدایت و تقویت شوراهای دانش‌آموزی سودمند خواهد بود.

- همچنین، با توجه به نقش زنان در مدیریت و پرورش نسل آینده، آموزش و اعمال سیاست‌های منجر به افزایش مشارکت زنان در سرنوشت اجتماع و جامعه می‌تواند کارا باشد.

- با توجه به تأثیر و تأثر پدیده سیاسی از دیگر بخش‌ها، می‌توان از همکاری بین‌بخشی و تعامل با نهادهای متولی توسعه جامعه روستایی (همچون جهاد کشاورزی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بانک کشاورزی و کمیته امداد) از طریق اقدامات جمعی (همچون صندوق‌های اعتبارات خرد ویژه زنان روستایی و تعاونی‌های روستایی و کشاورزی) باهدف مشارکت اقتصادی و اجتماعی مردم و تسری این نوع مشارکت در مشارکت سیاسی بهره‌جست.

- سرانجام، با توجه به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و اجتماع‌محور، ایجاد و تقویت نقش‌آفرینی تعاملی سازمان‌های بومی و ریشه‌دار اجتماع، متشکل از جوانان و زنان روستایی با شوراهای روستایی می‌تواند در نهادینه شدن توسعه همه‌جانبه از جمله توسعه سیاسی روستایی مؤثر باشد.

منابع

1. Ahmadi, M. and Cheraghi, M. (2017). Evaluation of effective factors on the realization of good rural governance with emphasis on the performance of

- rural areas, case study: Chaypareh Bala village, Zanjan city. *Geography (Regional Planning)*, 7: 33-44. (Persian)
2. Alaei Bosjen, H., Shafi'i, S. and Bashiri Givi, H. (2015). Investigating the impact of rural councils on the development of cultural capital in Givi County. *Iranian Social Development Studies*, 7(4): 67-83. (Persian)
 3. Alamdar, A., Rasti, A. and Ahmadi, S. (2016). Spatial model of participation in the presidential elections (case study: the tenth and eleventh presidential elections in South Khorasan province). *Human Geography Research*, 48(8): 815-826. (Persian)
 4. Amar, H. and Haag, M. (2017). Exploring the critical success factors of virtual-agile IT projects: a grounded theory study. *International Journal of Innovation, Management and Technology*, 8(6): 427-434.
 5. Aminzadeh, M. (1997). Political development. *Political-Economic Information*, 117: 104-117. (Persian)
 6. Badie, B. (1996). Political development. Translated by A. Naqibzadeh. Tehran: Ghoomes Publishing Company.
 7. Bashirieh, H. (2003). Reason in politics, thirty-five speeches in philosophy, sociology and political development. Tehran: Negah Publication. (Persian)
 8. Birks, M. and Mills, J. (2015). Grounded theory: a practical guide. UK: Sage.
 9. Bryant, A. and Charmaz, K. (2007). The Sage handbook of grounded theory. UK: Sage.
 10. Charmaz, K. (1990). 'Discovering' chronic illness: using grounded theory. *Social Science and Medicine*, 30(11): 1161-1172.
 11. Chattopadhyay, R., Chakrabarti, B. and Nath, S. (2010). Village forums or development councils: people's participation in decision-making in rural West Bengal, India. *Commonwealth Journal of Local Governance*, 66-85. DOI:10.5130/CJLG.V0I5.1490.
 12. Cheshire, L., Everingham, J.A. and Lawrence, G. (2014). Governing the impacts of mining and the impacts of mining governance: challenges for rural and regional local governments in Australia. *Journal of Rural Studies*, 36: 330-339.
 13. Chilton, S. (1991). Grounding political development. Second Edition. Boulder and London: Lynne Rienner Publishers.
 14. Choi, Y.J., Choi, H.B. and O'Donnell, M. (2018). Disaster reintegration model: a qualitative analysis on developing Korean disaster mental health support model. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 15(2): 362.

15. Chun Tie, Y., Birks, M. and Francis, K. (2019). Grounded theory research: a design framework for novice researchers. *SAGE Open Medicine*, 7. DOI: 10.1177/2050312118822927.
16. Clark, V.L.P. and Creswell, J.W. (2005). Student study guide to accompany Creswell's educational research: planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research. Princeton, NC, USA: Merrill.
17. Coleman, J. (2001a). Gradual political development. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. (Persian)
18. Coleman, J. (2001b). Gradual political development. Translated by G.K. Sarvari. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. (Persian)
19. Conyers, D. (1993). Guidelines on social analysis for rural area development planning (Vol. 34). Rome, Italy: Food and Agriculture Organization (FAO).
20. Corbin, J. and Strauss, A. (2014). Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory. UK: Sage.
21. Creswell, J.W. and Poth, C.N. (2016). Qualitative inquiry and research design: choosing among five approaches. UK: Sage.
22. Danaeifard, H. and Emami, M. (2007). Qualitative research strategies: reflections on the GT approach. *Strategic Management Thought*, 1(2): 69-97. (Persian)
23. DePoy, E. and Gitlin, L.N. (2019). Introduction to research E-Book: understanding and applying multiple strategies. Elsevier Health Sciences.
24. Fernández, W.D. (2004). Using the Glaserian approach in grounded studies of emerging business practices. *Electronic Journal of Business Research Methods*, 2(2): 83-94.
25. Gholamrezai, S., Shahin, M. and Sepahvand, F. (2016). Role of rural councils in political development. Paper Presented at the International Conference on Rural Development, Department of Social Responsibility, Xavier Institute of Development Action and Studies (XIDAS), Jabalpur.
26. Glaser, B. (1978). Theoretical sensitivity. Advances in the methodology of grounded theory. Mill Valley: Sociology Press.
27. Go, F.M. and Trunfio, M. (2011). E-services governance in public and private sectors: a destination management organization perspective. In: Information technology and innovation trends in organizations (pp. 11-19), Springer.
28. Haig, B.D. (2010). Abductive research methods. In: E. Baker, B. McGaw and P. Peterson (Eds) International encyclopedia of education (Vol. 3), pp. 77-82, Oxford: Elsevier.
29. Haj-Bagheri, M., Salsali, M. and Parvizi, S. (2007). Qualitative research methods. Tehran: Nashr-e Ney. (Persian)

30. Halaweh, M., Fidler, C. and McRobb, S. (2008). Integrating the grounded theory method and case study research methodology within IS research: a possible 'road map'. ICIS 2008 Proceedings, 165.
31. Hashemi, S., Motiei Langroudi, H., Ghadiri Masoum, M. and Rezvani, M.M. (2011). Explaining the role of Islamic Rural Councils in rural entrepreneurship development (case study: Bahabad, Yazd province). *Rural Research*, 2: 93-114. (Persian)
32. Johnston, M. (2005). Political parties and democracy in theoretical and practical perspectives: political finance policy, parties, and democratic development. Washington: National Democratic Institute for International Affairs.
33. Joo, J. and Kim, L. (2013). Diffusion of smart grid for low-carbon green growth: grounded theory approach. In: J.N. Lee, J.Y. Mao and J.Y.L. Thong (Eds), 17th Pacific Asia Conference on Information Systems (PACIS), Jeju Island, Korea, June 18-22, 2013.
34. Karimi, A. and Imani Jajarmi, H. (2009). Social challenges of rural councils in local management. *Rural Development*, 1(1): 89-114. (Persian)
35. Khosravi, A., Gholamrezaei, S., Rahimian, M. and Akbari, M. (2016). Analysis of barriers to organizational entrepreneurship development in agricultural cooperatives using a GT approach. *Cooperation and Agriculture*, 6(22): 123-150. (Persian)
36. Knaggs, C.M. (2012). A grounded theory approach to understanding the persistence issue that exists for lower-socio economic status college students. UT: University of Toledo.
37. Lee, J. (2001). A grounded theory: integration and internalization in ERP adoption and use. ETD Collection for University of Nebraska - Lincoln. Available at <https://digitalcommons.unl.edu/dissertations/AAI3016318>.
38. Lindkvist, P., Johansson, E. and Hylander, I. (2015). Fogging the issue of HIV-barriers for HIV testing in a migrated population from Ethiopia and Eritrea. *BMC Public Health*, 15(1): 82. Available at <https://doi.org/10.1186/s12889-014-1333-6>.
39. Mazhari, M. (2016). Comparative study of municipal electoral system in Iran and France. *Journal of Comparative Law Review*, 7(2): 725-752. (Persian)
40. Mey, G. and Mruck, K. (2011). Grounded-theory-methodologie: entwicklung, stand, perspektiven. In: Grounded theory reader (pp. 11-48), Springer.
41. Mishra, P., Gupta, R. and Bhatnagar, J. (2014). Grounded theory research: Exploring work-family enrichment in an emerging economy. *Qualitative*

- Research Journal*, 14(3): 289-306. Available at <https://doi.org/10.1108/QRJ-01-2013-0001>.
42. Mousavi, A. (2015). Supplementary laws related to rural affairs. In: Rural rights and laws in Iran. Tehran: Eshtiagh Noor Publishing Company. (Persian)
 43. Olowu, D. and Wunsch, J.S. (2004). Local governance in Africa: the challenges of democratic decentralization. Lynne Rienner Publishers.
 44. Papi, Z., Rezaei Sharifabadi, S., Mohammadesmaeil, S. and Hariri, N. (2017). Technical requirements for copyright protection of electronic theses and dissertations in INSTD: a grounded theory study. *The Electronic Library*, 35(1): 21-35.
 45. Piran, P. (2008). From informal settlement to non-housing; in search at solution. *Journal of the Urban Development Organization, Haft Shahr*, 2(23-24): 14-29. (Persian)
 46. Pishgahifard, Z. (2001). Elections and their geographical dynamics in Sistan and Baluchestan. *Journal of the Faculty of Literature and Human Sciences*, 48(160): 161-178. (Persian)
 47. Prasad, R.C. (1980). Local government and development in India. *International Political Science Review*, 1(2): 265-279. DOI: 10.1177/019251218000100210.
 48. Qasemi, Q., Parvizgoli, A. and Goli, A. (2017). The role of political marketing techniques to increase participation in elections. *Strategic studies of humanities and Islamic sciences*, 1(5): 145-172. (Persian)
 49. Qavam, A. (2014). Challenges of political development. Tehran: Ghoomes Publishing Company. (Persian)
 50. Ranjbar, H., Haqdoust, A.A., Salsali, M., Khoshdel, A.R., Soleimani, M.A. and Bahrami, N. (2012). Sampling in qualitative research: a guide to getting started. *Journal of Army University of Medical Sciences of the I.R. Iran*, 10(3): 238-250. (Persian)
 51. Samanta, D. (2014). Political affiliation and participation: an analysis in the context of rural West Bengal. KILA International Conference on Gandhi, Gram Swaraj and Decentralisation. 27-29 November, 2014, Thrissur, Kerala.
 52. Schraw, G., Wadkins, T. and Olafson, L. (2007). Doing the things we do: a grounded theory of academic procrastination. *Journal of Educational psychology*, 99(1): 12.
 53. Shafieifar, M. (2015). The process of political development in the Islamic Republic of Iran. *Journal of Politics*, 33: 103-123. (Persian)
 54. Strauss, A. and Corbin, J. (1990). Basics of qualitative research. UK: Sage.

55. Strauss, A. and Corbin, J. (1998). Basics of qualitative research techniques. CA: Thousand Oaks, UK: Sage.
56. Teppo, A.R. (2015). Grounded theory methods. In: Approaches to qualitative research in mathematics education (pp. 3-21). Springer.
57. Vafaei, K. (2014). Political development and modern politics: harms and challenges of political development in contemporary Iran. *Journal of Political Science*, 10(29): 75-90. (Persian)
58. Van Heerden, M.A. and Jooste, J.L. (2018). A guide for integrating total quality management and physical asset management in the food industry. *South African Journal of Industrial Engineering*, 29(4): 155-170.
59. Vollstedt, M. and Rezat, S. (2019). An introduction to grounded theory with a special focus on axial coding and the coding paradigm. In: G. Kaiser and N. Presmeg (Eds) Compendium for Early Career Researchers in Mathematics Education (Chapter 4), ICME-13 Monographs, pp. 81-100.
60. Yarwood, R. (2002). Parish councils, partnership and governance: the development of 'exceptions' housing in the Malvern Hills District, England. *Journal of Rural Studies*, 18(3): 275-291.
61. Zhuang, M. (2014). Participatory budgeting, rural public services and pilot local democracy reform. *Field Actions Science Reports, Special Issue 11*. Available at <http://journals.openedition.org/factsreports/3585>.
62. Zibakalam, S. and Moqtadaei, M. (2014). Political party and its role in Iran's political development: a case study of elections. *Political Science Quarterly*, 10(29): 8-27. (Persian)

